

گزارش پژوهشی



# تحلیل مبانی نظام جمهوری اسلامی ایران

## آیت الله عباس کعبی

عنوان پژوهش

**تحلیل مبانی اصل پانزدهم قانون اساسی**

شماره مسلسل: ۱۳۹۴۰۱۵۷

تاریخ: ۱۳۹۴/۱۰/۲۰



## شناسنامه

عنوان:

تحلیل مبانی نظام جمهوری اسلامی ایران  
تحلیل مبانی اصل پانزدهم قانون اساسی  
آیت‌الله عباس کعبی

تحقیق و تنقیح: محسن ابوالحسنی

ویراستار تخصصی: علی بهادری جهرمی

دفتر مطالعات نظام‌سازی اسلامی

شماره مسلسل: ۱۳۹۴۰۱۵۷

تاریخ انتشار: ۱۳۹۴/۱۰/۲۰

پژوهشکده شورای نگهبان



تحليل مبانے نظام جمهورى اسلامى ايران

تحليل مبانے اصل پانزدهم قانون اساسی

### فهرست مطالب

۳.....	فصل دوم قانون اساسی .....
۳.....	پیش گفتار .....
۷.....	اصل پانزدهم قانون اساسی .....
۷.....	مقدمه .....
	مبحث اول: مبانی فقهی انتخاب زبان فارسی به عنوان خط و زبان رسمی
۸.....	کشور .....
	مبحث دوم: بررسی نسبت زبان رسمی و زبان‌های محلی در قانون اساسی
۱۰.....	جمهوری اسلامی ایران .....
۱۳.....	جمع بندی .....
۱۵.....	منابع .....

## فصل دوم قانون اساسی

### پیش گفتار

فصل دوم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران که اصول پانزدهم تا هجدهم را به خود اختصاص داده، دربردارنده اصول شکلی حکومت جمهوری اسلامی ایران است. پس از آن که در فصل اول - اصول اول تا چهاردهم - اصول کلی و محتوایی نظام مقدس جمهوری اسلامی بر پایه‌ی شکل‌گیری نظام، مبانی و اهداف و وظایف نظام و نحوه مدیریت امور کشور و قوانین و مقررات حاکم و اصول مربوط به تعامل دولت و ملت - در قالب اصل امر به معروف و نهی از منکر- و تعامل نظام اسلامی با امت اسلامی و نظام بین‌الملل و اقلیت‌های دینی و مذاهب دیگر و غیرمسلمانان به صورت کلی بیان شد، در فصل دوم نمای بیرونی و شکل ظاهری نظام جمهوری اسلامی در قالب زبان، خط، تاریخ و پرچم رسمی مشخص می‌گردد. اصل پانزدهم زبان و خط رسمی کشور و جایگاه زبان‌های محلی را مورد اشاره قرار می‌دهد. اصل شانزدهم جایگاه زبان عربی در کنار زبان رسمی کشور را تبیین می‌کند. اصل هفدهم مبدا تاریخ و تقویم‌های معتبر در کشور را ذکر می‌کند و تکلیف تعطیلی رسمی را مشخص می‌سازد و اصل هجدهم به توصیف پرچم جمهوری اسلامی ایران می‌پردازد.

پیش از آن که در هر کدام از بخش‌های آتی، مبانی یکی از اصول فصل دوم قانون اساسی مورد تحلیل قرار گیرد، بایستی به این سوال پاسخ داد که جایگاه اصول شکلی در پایه‌های یک نظام سیاسی کجاست و این اصول چه نقشی را در کنار محتوای یک نظام ایفا می‌کنند؟

در پاسخ به این سوال بایستی گفت که عوامل شکلی یک مجموعه در کنار محتوای آن، اجزای تشکیل دهنده هویت آن مجموعه هستند و شکل در کنار محتوا، نشانه هویت و شناسنامه‌ی یک نظام سیاسی اجتماعی و یک ملت به حساب می‌آید. از همین روست که در طول تاریخ در بسیاری از موارد که کشورهای استعمارگر، مخدوش و نابود کردن هویت یک نظام را دنبال می‌کردند و در پی تغییر و تحریف اهداف و آرمان‌های یک نظام سیاسی اجتماعی برمی‌آمدند، ابتدا دست به تغییراتی در شکل و ظاهر نظام - که از حساسیت کمتری در اذهان عمومی برخوردار است - می‌زدند و از این طریق به صورت تدریجی هویت آن نظام را دچار تغییر و تحریف می‌کردند<sup>(۱)</sup>؛ چرا که تغییر در اصول

۱. نمونه‌هایی از این اتفاق را در رسمیت بخشیدن به زبان کشورهای استعمارگر در ممالک مستعمره هم

شکلی هم چون زبان و مبدا تاریخ یک کشور بی شک خواهد توانست فرهنگ و محتوای جدید را نیز در طول تاریخ و به صورت غیر ملموس و بدون جلب حساسیت‌های مردم حاکم سازد. به عبارت ساده از آن جایی که هویت یک مجموعه، از اجزای مختلفی تشکیل شده است، تغییر در هر کدام از ابعاد هویت مجموعه، لاجرم موجب تغییر در دیگر ارکان هویتی آن مجموعه خواهد شد، چرا که هر تغییری بایدها و نبایدهای خود را به دنبال خواهد داشت و از آن‌ها گریزی نخواهد بود.

در نگاه شارع مقدس نیز، اصول شکلی از اهمیت ویژه برخوردارند و به طور خاص به آن‌ها توجه شده است. این اصول در ادبیات قرآنی با اصطلاحات و مفاهیم مختلفی معرفی شده‌اند. یکی از این اصطلاحات واژه «صبغه» است که به معنای رنگ شده<sup>(۱)</sup> استفاده می‌شود. در قرآن کریم از عبارت صبغه الله استفاده شده است<sup>(۲)</sup> و رنگ خدایی، که رنگ فطرت ایمان و سیرت توحیدی است، بهترین رنگ‌ها شمرده شده است و ضرورت هماهنگی صورت و سیرت را مورد اشاره قرار می‌دهد. تعبیر دیگری که به صورت دقیق‌تر و صریح‌تر، اصول شکلی را مورد نظر قرار می‌دهد، عبارت «شعائر» است. شعائر به معنای علامت و نشانه است<sup>(۳)</sup> و در منابع فقهی هر عمل، شیء، رفتار و ... که به نوعی نشانه‌ای بر دین و ایمان به خداوند باشد، از شعائر به حساب می‌آید. بدین معنا هر عمل یا اقدام دیگری که به نوعی وجهه شکلی و ظاهری از ایمان الهی دست بدهد، از شعائر الهی محسوب می‌شود که تعظیم و بزرگداشت آن در قرآن مصداق تقوای قلوب به شمار رفته<sup>(۴)</sup> و از اهانت به آن‌ها به صراحت نهی شده است.<sup>(۵)</sup> غالب اصول شکلی که در نظام جمهوری اسلامی ایران به آن‌ها اشاره

چون هندوستان به وضوح می‌توان مشاهده کرد.

۱. قرشی، علی اکبر، قاموس قرآن، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ج ۶، ۱۳۷۱، ج ۴، ص ۱۰۷
۲. سوره بقره آیه ۱۳۸: صِبْغَةَ اللَّهِ وَمَنْ أَحْسَنُ مِنَ اللَّهِ صِبْغَةً وَنَحْنُ لَهُ عَابِدُونَ. این رنگ خداست و رنگ چه کسی از رنگ خدا بهتر است و ما پرستندگان او هستیم.
۳. قرشی، علی اکبر، همان، ج ۴، ص ۴۴
۴. سوره حج آیه ۳۲: ذَلِكَ وَمَنْ يَعْظَمْ شَعَائِرَ اللَّهِ فَإِنَّهَا مِنْ تَقْوَى الْقُلُوبِ. این است [فرايض خدا] و هر کس شعایر خدا را بزرگ دارد در حقیقت، آن [حاکمی] از پاکی دل هاست.
۵. سوره مائده آیه ۲: يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَجْلُوْا شَعَائِرَ اللَّهِ وَ ... ای کسانی که ایمان آورده اید، حرمت شعایر خدا و ... را نگه دارید.

می‌شود، آن گونه که در بخش‌های بعد بیان خواهد شد، تبدیل به شعائر شده‌اند و جدا از این که پرداختن به اصول شکلی برای نظام جمهوری اسلامی ایران از اهمیت برخوردار است یا خیر، از این جهت که تبدیل به شعائر شده‌اند، قابل توجه و مهم به حساب می‌آیند.

اما فارغ از جایگاه این موضوع در منابع فقهی، جمهوری اسلامی از لحاظ دینی و ملی نمی‌تواند به اصول شکلی بی‌تفاوت باشد؛ چون از یک سو از لحاظ دینی دولت اسلامی باید نشان داشته باشد که خود را به جهان با این نشان معرفی کند. همچنین از لحاظ ملی این اصول شکلی تبدیل به سنت و آداب و رسوم حسنه‌ای شده است که در میان همه ملت‌ها به آن پایبندی وجود دارد و اسلام نیز در پی نفی سنت‌های صالحه نبوده و نخواهد بود.<sup>(۱)</sup> پس هم از لحاظ دینی و هم از لحاظ ملی، داشتن این سنت‌های شکلی و اهمیت دادن به آنها پذیرفته شده و تأکید شده است.

در این اصول، خط و زبان و تاریخ و پرچم رسمی در جمهوری اسلامی ایران مشخص شده‌اند. رسمی بودن این امور در قانون اساسی تنها اموری سیاسی نبوده و تأثیرات حقوقی بر جای می‌گذارد. رسمیت حقوقی بدین معناست که همه قوانین و مقررات در کشور می‌بایست از این اصول شکلی تبعیت نمایند و نمی‌توانند بر خلاف آن‌ها عمل نمایند. لذا همه قوانین و مقررات بایستی بر اساس خط و زبان رسمی کشور یعنی فارسی به نگارش درآید و بر اساس تاریخ رسمی کشور عمل گردد و از پرچم رسمی کشور در آیین‌ها و مراسمات رسمی استفاده شود. شورای نگهبان قانون اساسی این رسمیت را در عمل مورد نظر قرار می‌دهد و تاکنون مصوبات مختلفی از مجلس را به استناد اصل پانزدهم قانون اساسی و به خاطر استفاده از کلمات بیگانه مورد ایراد قرار داده است.<sup>(۲)</sup> همچنین در مواردی که قوانین بر اساس تاریخ میلادی

۱. امیرالمومنین (ع) می‌فرماید: *وَ لَا تَنْقُضُ سُنَّةَ صَالِحَةٍ عَمِلَ بِهَا صِدْقُ هَذِهِ الْأُمَّةِ وَ اجْتَمَعَتْ بِهَا الْأَلْفَةُ وَ صَلَّحَتْ عَلَيْهَا الرَّعِيَّةُ.* و آداب پسندیده‌ای را که بزرگان این امت به آن عمل کردند، و ملت اسلام با آن پیوند خورده، و رعیت با آن اصلاح شدند، بر هم مزن. (نهج البلاغه، نامه ۵۳، عهدنامه مالک اشتر)

۲. برای مثال شورای نگهبان در بررسی لایحه تصویب احکام و مصوبات بیست و دومین کنگره اتحادیه پستی جهانی (UPU) منعقد شده در پکن ۱۳۷۸ این گونه به مصوبه مجلس ایراد گرفته است: چون در مواد متعددی از متن «موافقتنامه مربوط به سرویس‌های پرداختی پست» مشتمل بر (۱۵) ماده موضوع بند پنجم ماده واحده «لایحه تصویب احکام و مصوبات بیست و دومین کنگره اتحادیه پستی جهانی

تنظیم شده است، به استناد اصل هفدهم رد نموده است.<sup>(۱)</sup> بدین معنا رسمیت بخشیدن به اصول شکلی در قانون اساسی صرفاً به معنای یک اعلام سیاسی و نمادین از سوی نظام جمهوری اسلامی نبوده و اثرات حقوقی خود را در قوانین و مقررات کشور بر جای می‌گذارد.

با توجه به مطالب فوق، بایستی اصول شکلی نظام و اصول محتوایی آن را در کنار هم به عنوان مبانی یک نظام به حساب آورد و به همین دلیل بی شک تحلیل مبانی نظام بدون تحلیل اصول شکلی آن ناقص خواهد بود. در این بخش و در بخش‌های آتی با همین رویکرد اصول پانزدهم تا هجدهم قانون اساسی مورد بحث و بررسی قرار خواهند گرفت.

► (UPU) منعقد شده در پکن ۱۳۷۸، (۱۹۹۹ میلادی) واژه‌های متعدد غیرفارسی بدون ذکر معادل فارسی وجود دارد، از این جهت مغایر اصل پانزدهم قانون اساسی شناخته شد.

این رویه نه تنها درباره استفاده از عبارات انگلیسی اعمال شده، بلکه در مورد زبان عربی نیز این ایراد گرفته شده است. برای مثال شورای نگهبان در بررسی طرح الحاق دادگاه‌های انقلاب اسلامی به دادگستری جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۶۰/۴/۱۷ مجلس شورای اسلامی اعلام می‌کند: ماده (۲) طرح مزبور که به دادگاه‌های انقلاب اجازه می‌دهد به کتاب تحریرالوسیله امام<sup>(ره)</sup> مراجعه نموده و مطابق آن حکم نمایند، نظر به این که کتاب تحریرالوسیله به زبان عربی است و طبق اصل ۱۵ قانون اساسی، زبان رسمی کشور فارسی است و متون رسمی باید به زبان فارسی باشند، از این حیث مغایر قانون اساسی است.

برای مطالعه بیشتر درباره مصادیق این ایرادات رک: فتحی، محمد، اصول قانون اساسی در پرتو نظرات شورای نگهبان؛ بررسی اصل پانزدهم، گزارش پژوهشکده شورای نگهبان، شماره مسلسل ۱۳۹۳۰۱۲۰، تاریخ انتشار ۱۳۹۳/۷/۹، قابل دسترسی در: (yon.ir/aslfifteen) (تاریخ مشاهده: ۱۳۹۳/۱۰/۳)

۱. در موارد متعددی می‌توان مشاهده نمود که در صورت اکتفای قانون‌گذار به ذکر سال میلادی در متن قانون و عدم ذکر معادل هجری آن، مسئله مورد ایراد شورای نگهبان قرار گرفته است. برای مشاهده موارد متعدد از این موضوع رک: فتحی، محمد، اصول قانون اساسی در پرتو نظرات شورای نگهبان؛ بررسی اصل هفدهم، گزارش پژوهشی پژوهشکده شورای نگهبان، شماره مسلسل ۱۳۹۳۰۱۲۴، تاریخ انتشار ۱۳۹۳/۷/۲۸ قابل دسترسی در: (yon.ir/aseventen) (تاریخ مشاهده: ۱۳۹۳/۱۰/۳)



## اصل پانزدهم قانون اساسی

اصل پانزدهم - زبان و خط رسمی و مشترک مردم ایران فارسی است. اسناد و مکاتبات و متون رسمی و کتب درسی باید با این زبان و خط باشد ولی استفاده از زبان‌های محلی و قومی در مطبوعات و رسانه‌های گروهی و تدریس ادبیات آن‌ها در مدارس، در کنار زبان فارسی آزاد است.

## مقدمه

اصل پانزدهم قانون اساسی زبان و خط رسمی و مشترک مردم ایران را زبان فارسی معرفی نموده است و این زبان را به عنوان زبان معیار در اسناد و مکاتبات و متون رسمی و کتب درسی به شمار آورده است.

زبان و خط در هر جامعه ای یکی از عناصر شاخص و بارز هویتی آن جامعه به شمار می‌رود و نشانه هویت نظام، اجتماع و تاریخ آن جامعه محسوب می‌شود و از سوی اعضای جامعه در قبال دیگران، نمود و نمایش پیدا می‌کند. به نوعی می‌توان زبان و خط را شناسنامه یک ملت به حساب آورد. به عبارت دیگر هویت یک فرد و جامعه از مجموعه عواملی تشکیل می‌یابد، اما بعضی از آن‌ها در اولین گام در برخورد میان فرهنگ‌ها خود را نشان می‌دهد. زبان و خط اولین راه‌های ارتباطی میان فرهنگ‌های مختلف هستند و اولین تجلی هویت یک مجموعه را در زبان و خط آن‌ها می‌توان یافت که خود به نوعی گویای اهمیت زبان و خط خواهد بود.

در هر جامعه‌ای ممکن است چندین زبان مختلف مورد استفاده قرار گیرند و ارتباطات میان فرهنگی در جهان امروز، باعث تغییر تدریجی زبان و خط مردم یک جامعه گردد. اما از آن جایی که زبان و خط شناسنامه هویتی یک کشور به حساب می‌آید، انتخاب یک یا چند زبان به عنوان زبان رسمی در کشور، اقدام مهم و ضروری در جهت تثبیت ماهیت فرهنگی و تمدنی جامعه برای تثبیت هویت یک ملت در مقابل ملت‌های دیگر خواهد بود. به همین جهت در بسیاری از کشورهای دنیا، یک زبان به دلایل مختلف و بر اساس سابقه و اشتراک جامعه بر آن، به عنوان زبان رسمی انتخاب شده تا همه تلاش‌ها در جهت حفظ، تثبیت و مراقبت از این رکن هویتی جامعه صورت گیرد.

یکی از نکات مهم در این باره، پاسخ به این سوال خواهد بود که آیا در کشور

جمهوری اسلامی ایران که بر پایه ارزش‌های اسلامی و موازین شرعی استوار شده است، انتخاب زبان فارسی به عنوان زبان و خط رسمی دارای مبانی فقهی است؟ ریشه و دلایل فقهی این انتخاب از موضوعات مهمی است که در مبحث اول به آن پرداخته خواهد شد. مبحث دوم از این بخش نیز به ارتباط زبان رسمی و زبان‌های محلی در یک کشور خواهد پرداخت. هر جامعه‌ای به غیر از زبان رسمی احتمالاً دارای زبان‌های محلی گوناگونی نیز خواهد بود. درباره چگونگی برخورد حاکمیت متمرکز با زبان‌های محلی رویکردهای متعددی وجود دارد که قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران یکی از این رویکردها را پذیرفته و استفاده از زبان‌های محلی و قومی را در مطبوعات و رسانه‌های گروهی و تدریس ادبیات آنها در مدارس، در کنار زبان فارسی آزاد شمرده است. مبحث دوم از این بخش به این موضوع اختصاص خواهد یافت.

### مبحث اول: مبانی فقهی انتخاب زبان فارسی به عنوان خط و زبان رسمی کشور

یکی از مهم‌ترین نکاتی که پس از رسمیت بخشیدن به زبان فارسی در نظام جمهوری اسلامی ایران ممکن است در ذهن بعضی در قالب یک تناقض ایجاد شود، انتخاب زبانی غیر از زبان رسمی اسلام، توسط حکومتی است که بر پایه اسلام بنا شده و حکومت اسلامی محسوب می‌شود.

به عبارت دیگر این سوال پیش می‌آید که آیا حکومت اسلامی می‌تواند زبانی غیر از زبان قرآن و روایات معصومین (علیهم السلام) را زبان رسمی خود معرفی نماید؟ این انتخاب قانون‌گذاران اساسی کشورمان بر مبنای ادله فقهی صورت گرفته است؟ و چنان چه این گونه است ادله فقهی انتخاب زبان رسمی در جامعه چیست؟

زبان و خط یکی از آداب و رسوم هر ملتی به حساب می‌آید و از اشتراکات مردم یک جامعه محسوب می‌شود. بررسی دستورات شارع مقدس گواه این است که اسلام همه آداب و رسوم ملت‌ها را نفی نمی‌کند، بلکه اساساً آنها را به رسمیت می‌شناسد و حتی از بر هم زدن سنت‌های صالح جامعه - که منافاتی با ارزش‌های الهی ندارند - بر حذر می‌دارد،<sup>(۱)</sup> چرا که اسلام در پی تبلیغ اهداف و ارزش‌های والا و اعمال صالح -

و در یک کلام، دین- از نگاه شارع مقدس است، اما در پی نفی آداب و رسوم و سنت‌های صالح در میان مردم و مصادره فرهنگ نیست تا زبان و خط و سنت خاص خویش را بر مردم تحمیل نماید. دین اسلام نه تنها در پی به انحصار درآوردن شکل و شمایل همه اقدامات و نوع گویش و پوشش و رفتارهای همه مردم نیست، بلکه بر خلاف آن چه بعضی می‌اندیشند، قرآن کریم اختلاف در زبان‌ها را در کنار آفرینش آسمان‌ها و زمین از آیات الهی می‌داند که برای دانشمندان در آن‌ها نشانه‌هایی نهفته است.<sup>(۱)</sup>

پس در منابع فقهی هیچ دلیل شرعی بر ممنوعیت ملت‌ها در انتخاب زبانی غیر از زبان عربی به عنوان زبان و خط رسمی وجود ندارد. موضوع ارتباط میان زبان فارسی و زبان عربی، در بخش آینده که به تحلیل مبانی اصل شانزدهم اختصاص دارد، مورد بحث و بررسی دقیق‌تری قرار می‌گیرد. اما به صورت گذرا باید به این نکته اشاره نمود که زبان عربی تا آنجا که مربوط به قرآن، سنت پیامبر<sup>(ص)</sup>، معارف دین و مربوط به مناسک دین همچون نماز، حج یا موارد مصرحی همچون عقد ازدواج<sup>(۲)</sup> و ... می‌شود، امر لازم و واجبی به شمار می‌رود که رسمیت زبان فارسی در اسناد و مکاتبات رسمی و کتب درسی منافاتی با آن‌ها نخواهد داشت. چنانچه رسمیت زبان در جامعه‌ای به معنای مقابله با زبان عربی به صورت کلی و تلاش برای حذف آن باشد، این موضوع مشمول حکم دیگری خواهد شد و از نظر شرعی ممنوع خواهد بود، اما جایگاه رسمی زبان فارسی تناقضی با حیطه لازم و واجب زبان عربی ندارد و از این جهت ایرادی به رسمیت بخشیدن به زبان فارسی در قانون اساسی وارد نیست.

علاوه بر تاییدی که به صورت ضمنی در مورد اختلاف در زبان‌ها در قرآن کریم

۱. سوره روم آیه ۲۲: وَ مِنْ آيَاتِهِ خَلْقُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَ الْخِلَافُ الَّذِي بَيْنَهُمَا وَ الْوَالِدُ الَّذِي فِي ذَلِكِ لَآيَاتٍ لِّعَالَمِينَ

و از نشانه های [قدرت] او آفرینش آسمان‌ها و زمین و اختلاف زبان های شما و رنگ های شماس است. قطعاً در این [امر نیز] برای دانشوران نشانه هایی است.

۲. درباره این که در کدام یک از عقود، عربی بودن شرط است و الزاماً عقد بایستی به عربی خوانده شود، میان فقها از قدیم اختلاف بوده است. برای مطالعه بیشتر در این زمینه رک: مراعی، سید میر عبدالفتاح، العناوین الفقهیه، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۷ هـ. ق، ج ۲، صص ۱۴۳ تا ۱۵۰.

آمده است، عدم ممنوعیت انتخاب زبانی غیر از زبان عربی به عنوان زبان رسمی جامعه در منابع فقهی و عدم وارد شدن نهی‌ای از سوی شارع در این موضوع، خود دلیلی است بر این که این امر صحیح بوده و اشکالی بر آن وارد نیست. از سوی دیگر جمهوری اسلامی به عنوان یک نظام سیاسی مستقل، با همه ابعاد هویتی جامعه، نیازمند زبان و خط و دیگر آداب و رسوم است که هویت اسلامی ایرانی جامعه اقتضا می‌کند و زبان و خط مشترک مردم ایران، از عوامل هویتی انسجام بخشی است که از لحاظ فقهی چون ستیز و تعارضی با زبان عربی به عنوان زبان قرآن ندارد، نمی‌توان ایرادی بر آن وارد ساخت و آن را غیر شرعی دانست. قوانین و مقرراتی که باعث تثبیت، شناسایی و معرفی هویت یک ملت و انسجام بخشی جامعه می‌گردند، خود به خود موضوعیت پیدا می‌کنند و اهمیت آن‌ها باعث تاییدشان می‌گردد. در این گونه موارد الزامی به وجود ادله اثباتی فقهی نیست، بلکه به صرف نبودن ادله نفی آن‌ها در شرع، می‌توان خلاف شرع نبودن آن‌ها را برداشت نمود.

### مبحث دوم: بررسی نسبت زبان رسمی و زبان‌های محلی در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

از آن‌جا که در کشورهای جهان مرزها بر اساس عوامل مختلف سیاسی اجتماعی و ... شکل گرفته است، لزوماً مرزهای یک کشور با مرزهای قومیتی و زبانی آن هم‌خوانی ندارد. از این رو کشورهای بسیاری در دنیا وجود دارند که چندین قومیت و یا زبان محلی در آن‌ها وجود دارد و مردم کشور در هر بخشی به زبان خاص خود سخن گفته و زبان مادری آن‌ها با یکدیگر متفاوت است. این گونه تفاوت‌های فرهنگی در مناطق مختلف کشور، همواره از اهمیت خاصی در نگاه حاکمان کشورها برخوردار بوده است. به همین خاطر کشورها با توجه به شرایط سیاسی اقلیمی خود، رویکردهای کاملاً متفاوتی را در قبال زبان‌های محلی در پیش گرفته‌اند.

بعضی از کشورها با توجه به چندملیتی و چندزبانه بودن مردم کشور و رواج استفاده از آن زبان‌ها، به صورت کلی چند زبان را به عنوان زبان رسمی برگزیده‌اند. برای مثال در کانادا زبان‌های انگلیسی و فرانسوی به عنوان زبان رسمی معرفی

شده‌اند<sup>(۱)</sup> و در افغانستان زبان‌های دری و پشتو به صورت توأمان زبان رسمی این کشورند.<sup>(۲)</sup> حتی در بعضی از کشورها سه زبان نیز به عنوان زبان رسمی انتخاب شده است. برای مثال قانون اساسی کشور سوئیس زبان‌های آلمانی، فرانسوی و ایتالیایی را به عنوان زبان‌های رسمی کنفدراسیون انتخاب کرده است.<sup>(۳)</sup> در رویکرد بعضی دیگر از کشورها که عمدتاً کشورهای را شامل می‌شود که دارای مناطق خودمختار هستند، زبانی به عنوان زبان رسمی انتخاب می‌گردد و زبان‌های مناطق خودمختار نیز به عنوان زبان رسمی در آن منطقه خاص به رسمیت شناخته می‌شود. در عراق، عربی زبان رسمی کشور است و علاوه بر زبان عربی، زبان کردی نیز در منطقه کردنشین به عنوان زبان رسمی شناخته شده است.<sup>(۴)</sup> در اسپانیا، اسپانیولی زبان رسمی دانسته شده و دیگر زبان‌های اسپانیا در جوامع خودمختار مربوط به خود و بر اساس آیین‌نامه‌های خود رسمیت یافته‌اند.<sup>(۵)</sup> رویکرد سومی که در این باره در بعضی کشورها قابل مشاهده است، رسمیت بخشیدن به یک زبان رسمی و آزاد گذاشتن و حمایت از زبان‌های محلی است. برای مثال در تاجیکستان، زبان رسمی کشور تاجیکی تعیین شده است و به همه مردمی که در این کشور زندگی می‌کنند اجازه داده شده که آزادانه از زبان مادری خویش استفاده کنند.<sup>(۶)</sup> در قانون اساسی ایتالیا هم با این که هیچ زبانی به عنوان زبان رسمی انتخاب نشده، ولی مقرر شده است که نظام این کشور از اقلیت‌های زبانی حمایت می‌نماید.<sup>(۷)</sup> در بعضی دیگر از کشورها نیز یا قانون اساسی توجهی به زبان رسمی نداشته است و یا این که فقط یک زبان را به این عنوان معرفی کرده و متعرض

۱. بند یک اصل شانزدهم قانون اساسی کانادا، قابل دسترسی در: [yon.ir/ghcanada](http://yon.ir/ghcanada) (تاریخ مشاهده: ۱۳۹۴/۶/۱۶)
۲. ماده شانزدهم قانون اساسی جمهوری اسلامی افغانستان، قابل دسترسی در: [yon.ir/ghafghan](http://yon.ir/ghafghan) (تاریخ مشاهده: ۱۳۹۴/۶/۱۶)
۳. بند دوم اصل صد و شانزدهم قانون اساسی کنفدراسیون سوییس، قابل دسترسی در: [yon.ir/ghswiss](http://yon.ir/ghswiss) (تاریخ مشاهده: ۱۳۹۴/۶/۱۶)
۴. اصل هفت قانون اساسی عراق، قابل دسترسی در: [yon.ir/ghiraq](http://yon.ir/ghiraq) (تاریخ مشاهده: ۱۳۹۴/۶/۱۶)
۵. اصل سوم قانون اساسی اسپانیا، قابل دسترسی در: [yon.ir/ghspain](http://yon.ir/ghspain) (تاریخ مشاهده: ۱۳۹۴/۶/۱۶)
۶. اصل دوم قانون اساسی تاجیکستان، قابل دسترسی در: [yon.ir/ghtajik](http://yon.ir/ghtajik) (تاریخ مشاهده: ۱۳۹۴/۶/۱۶)
۷. اصل ششم قانون اساسی ایتالیا، قابل دسترسی در: [yon.ir/ghitaly](http://yon.ir/ghitaly) (تاریخ مشاهده: ۱۳۹۴/۶/۱۶)

بحث زبان‌های محلی نشده است. این عدم اشاره یا ناشی از عدم وجود زبان‌های محلی قوی در این کشورهاست و یا این که تاکید قانون‌گذاران اساسی کشور بر انحصار زبانی را نشان می‌دهد.

در جمهوری اسلامی ایران، تنوع فرهنگی، قومیتی و زبانی به صورت بارزی مشهود است و زبان‌های محلی مختلفی در مناطق مختلف کشور مورد استفاده قرار می‌گیرند. در قانون اساسی همان گونه که پیش از این اشاره شد، فارسی به عنوان زبان و خط رسمی و مشترک مردم ایران انتخاب شده است، ولی استفاده از زبان‌های محلی و قومی در مطبوعات و رسانه‌های گروهی و تدریس ادبیات آن‌ها در مدارس، در کنار زبان فارسی آزاد شمرده شده است. یعنی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران با انتخاب یک زبان به عنوان زبان رسمی - هم‌چون اکثریت کشورهای بیسپط با حاکمیت متمرکز - رویکرد انحصاری نداشته است و جایگاه زبان‌های محلی را به عنوان عنصری از هویت مناطق مختلف فراموش نکرده و اختلاف زبان‌ها را پذیرفته و درصدد تحمیل یک زبان در همه مناطق و امحاء و نابودی زبان‌های محلی نبوده است. البته این بدین معنا نیست که نظام اسلامی از باب مصلحت و بر اساس حکم ثانوی اقدام به شناسایی و اعطای آزادی به این زبان‌ها نموده باشد، بلکه به حکم اولیه و با توجه به همان مسائلی که درباره مبانی فقهی انتخاب زبان فارسی به جای زبان عربی گفته شد، زبان‌های محلی نیز مجاز به فعالیت خواهند بود و نباید رویکرد تحمیلی و انکاری نسبت به آن‌ها در پیش گرفته شود. قانون‌گذار اساسی بر اساس مصالح و دلایلی تشخیص داده که زبانی را به عنوان زبان رسمی برگزیند و به درستی در کنار آن، فعالیت دیگر زبان‌ها را نیز مجاز بشمرد.

سوالی که درباره این اقدام قانون‌گذار اساسی به ذهن می‌رسد این است که چرا در ایران، از میان زبان‌های مختلف، زبان فارسی به عنوان زبان رسمی انتخاب شده و زبان دیگری برگزیده نشده است؟

به نظر می‌رسد بایستی این انتخاب را رسمیت دادن به زبان رایج کشور دانست. اگر چه در کشور ایران زبان‌های محلی بسیاری وجود دارد، اما هیچ کدام از آن‌ها قابلیت انتخاب به عنوان زبان مشترک مردم را نداشته و تنها این زبان فارسی است که در غالب مناطق کشور رواج داشته و اکثریت مطلق مردم کشور، از ده‌ها سال قبل به

این زبان تکلم کرده‌اند و یا حداقل آن را نیز بلد بوده‌اند. بدیهی است که در چنین شرایطی انتخاب این زبان به عنوان زبان رسمی و مشترک مردم ایران و آزاد گذاشتن فعالیت زبان‌های قومی و محلی در مطبوعات و رسانه‌ها و مدارس انتخاب عاقلانه و صحیح قانون‌گذار اساسی بوده است.

### جمع بندی

اصل پانزدهم قانون اساسی به عنوان اولین اصل از اصول شکلی مندرج در فصل دوم قانون اساسی، موضوع زبان و خط رسمی کشور را مطرح نموده است. این اصل فارسی را به عنوان زبان و خط رسمی و مشترک مردم ایران قرار داده و بر ضرورت استفاده از این زبان در اسناد و مکاتبات و متون رسمی و کتب درسی تاکید نموده است. همچنین به علت وجود زبان‌های محلی و قومی مختلف در کشورمان، استفاده از این زبان‌ها در مطبوعات و رسانه‌های گروهی و تدریس آن‌ها در مدارس، در کنار زبان فارسی آزاد گذاشته شده است.

علت انتخاب ادبیات فارسی به عنوان زبان و خط رسمی را بایستی در رواج و دامنه نفوذ آن در اکثریت مطلق کشور و سابقه تاریخی استفاده مردم ایران در استفاده از این زبان به عنوان زبان مشترک دانست؛ و به همین دلیل هیچ کدام از زبان‌های دیگر در ایران، قابلیت معرفی به عنوان زبان مشترک را ندارند. انتخاب زبان فارسی به عنوان زبان رسمی از نظر مبانی فقهی نیز با مانعی برخورد نمی‌کند. چرا که از یک سو در قرآن کریم اختلاف زبان‌ها نه تنها به رسمیت شناخته شده بلکه از نشانه‌های قدرت الهی دانسته شده است و از سوی دیگر رسمیت زبان فارسی به هیچ عنوان به معنای ستیز با زبان عربی به عنوان زبان دین اسلام نیست و در جهت حذف آن قرار ندارد - که در آن صورت مشمول حرمت واقع می‌شد- چون استفاده از زبان فارسی در اسناد و مکاتبات رسمی، منافاتی با استفاده از زبان عربی در حیطة واجب آن یعنی قرآن کریم و عبادات و بعضی از عقود خاص ندارد و فراگیری زبان عربی برای استفاده در این امور در خود قانون اساسی مورد تاکید قرار گرفته است.<sup>(۱)</sup>

درباره نسبت زبان‌های رسمی و زبان محلی رویکردهای مختلفی در کشورهای دنیا

۱. اصل شانزدهم قانون اساسی

وجود دارد. بعضی - که غالباً کشورهای غیرمتمرکز را شامل می‌شود - چند زبان را رسمیت بخشیده‌اند. برخی دیگر با وجود پذیرش یک زبان رسمی، در مناطق خودمختار کشور زبان محلی آنان را نیز در آن محدوده رسمی دانسته‌اند و بعضی نیز ضمن رسمی اعلام نمودن یک زبان، تصمیم بر حمایت از زبان‌های محلی گرفته‌اند. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به خاطر بسیط و متمرکز بودن نوع حاکمیت و گستره زبان فارسی در سراسر کشور، این زبان را به عنوان زبان و خط مشترک برگزیده است؛ اما به هیچ عنوان رویکرد انحصاری و تحمیلی نسبت به فرهنگ قومیت‌های ایرانی نداشته و از این رو استفاده از زبان‌های قومی و محلی در مطبوعات و تدریس آن‌ها در مدارس در کنار زبان فارسی را آزاد گذاشته است.



## منابع

قرآن کریم ترجمه محمد مهدی فولادوند  
 نهج البلاغه ترجمه محمد دشتی  
 قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

## کتاب

۱. قاری سید فاطمی، سید محمد، حقوق بشر در جهان معاصر (دفتر اول)، تهران: موسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش، چ ۳، ۱۳۹۰.
۲. قرشی، علی اکبر، قاموس قرآن، تهران: دارالکتب الاسلامیه، چ ۶، ۱۳۷۱، ج ۴.
۳. مراغی، سید میر عبدالفتاح، العناوین الفقہیہ، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۷ هـ.ق. مقالات و گزارش‌ها:

۴. فتحی، محمد، «اصول قانون اساسی در پرتو نظرات شورای نگهبان؛ بررسی اصل پانزدهم»، گزارش پژوهشی پژوهشکده شورای نگهبان، شماره مسلسل ۱۳۹۳/۱۲۰، تاریخ انتشار ۱۳۹۳/۷/۹، قابل دسترسی در: (yon.ir/aslfifteen) (تاریخ مشاهده: ۱۳۹۳/۱۰/۳)
۵. فتحی، محمد، «اصول قانون اساسی در پرتو نظرات شورای نگهبان؛ بررسی اصل هفدهم»، گزارش پژوهشی پژوهشکده شورای نگهبان، شماره مسلسل ۱۳۹۳/۱۲۴، تاریخ انتشار ۱۳۹۳/۷/۲۸ قابل دسترسی در: (yon.ir/aseventen) (تاریخ مشاهده: ۱۳۹۳/۱۰/۳)

## نوم افزار

۶. جامع فقه اهل بیت علیهم السلام نسخه ۲
۷. قاموس النور نسخه ۲

## پایگاه اینترنتی

8. <http://www.parliran.ir/>
9. [www.shora-rc.ir/](http://www.shora-rc.ir/)

امام خمینی (ره):

و از شورای محترم نگهبان می‌خواهم و توصیه می‌کنم، چه در نسل حاضر و  
چه در نسل های آینده که با کمال دقت و قدرت و ظایف اسلامی و ملی خود  
را ايفا و تحت تاثیر بیچ قدرتی واقع نشوند و از قوانین مخالف با شرع مطهر و  
قانون اساسی بدون بیچ ملاحظه ای جلوگیری نمایند.

(صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۴۲۲)



بزهشکده شورای نگهبان

آدرس: تهران، خیابان شهید سپهبد قمری،  
کوچه شهید دهقانی نیا (خسرو سابق)، پلاک ۱۲  
صندوق پستی: ۱۴۶۳ - ۱۳۱۴۵  
تلفکس: ۰۲۱ - ۸۸۳۲۵۰۴۵  
info@shora-rc.ir  
www.shora-rc.ir